

ضمن رد تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه، مستنداً به بند (الف) ماده ۲۵۷ و ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۶) دادنامه تجدیدنظر خواسته را عیناً تأیید و استوار می‌نماید.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۲۱۸۵۵۰۱۱۴۲

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۰۵ دادگاه عمومی جزایی

اتهام: استفاده از سند مجعول، انتقال مال غیر

متن رأی

در خصوص اتهام آقای الف. ق. فرزند ص. ۵۲ ساله اهل تبریز ساکن تهران ابرار فروش، دایر بر استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر موضوع مفاد کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۱ تهران و شکایت خانم ش. ق. فرزند ص. ۳۸ ساله ساکن تهران. با توجه به مجموع محتویات پرونده و تحقیقات انجام شده اتهام آقای الف. ق. دایر بر استفاده از سند مجعول یعنی استفاده از وکالت‌نامه جعلی محرز و مشخص، تشخیص و دفاعیات وی را در این مورد مؤثر تشخیص نداده و به استناد ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نامبرده را به سه سال حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌نماید اما اتهام دیگر وی دایر بر انتقال مال غیر با توجه به اینکه حسب تحقیقات انجام شده و مدافعات موجه وی، در رهن گذاشتن ملک را عرفاً انتقال مال نمی‌گویند گرچه بانک این ملک را به مزایده گذاشته است از طرفی با اثبات اینکه متهم الف. ق. با وکالت‌نامه جعلی، ملک را در رهن بانک قرار داده است بانک نمی‌تواند ملکی که ثابت شد مال رهن نمی‌باشد را به مزایده بگذارد و شاکمی می‌تواند ابطال چنین مزایده‌ای را درخواست کند و همچنین می‌تواند الزام متهم را به فک رهن درخواست نماید. بر این اساس، به نظر دادگاه انتقالی صورت نگرفته تا در حکم کلاهبرداری باشد زیرا از شاکمی هنوز مالی برده نشده است. بنابراین، انتقال مال غیر به نظر دادگاه با توجه به مطالب ذکر شده واقع تکریدیده لذا به لحاظ عدم احراز وقوع بزه در این دو مورد به استناد

یادداشت‌هایی بر گزیده آراء قضایی مراجع کیفری

مریم ممنون*

یادداشت اول – رسیدگی دادگاه بدوی در محدوده اتهامات مندرج

در کیفرخواست

۱. وقایع پرونده:

به موجب کیفرخواست شماره ۱۰۱۱۸۰۰۵ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۱ تهران مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، آقای الف. ق. متهم است به استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر، دادگاه بدوی اتهام وی در خصوص استفاده از سند مجعول یعنی استفاده از وکالت‌نامه جعلی را محرز و مشخص، تشخیص و به استناد ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵/۳/۲)، وی را به تحمل سه سال حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می‌نماید لیکن در خصوص اتهام دیگر وی یعنی انتقال مال غیر، به لحاظ عدم احراز بزه، به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مدون ۱۳۵۸، حکم تبرئه وی را صادر می‌نماید. دادگاه تجدیدنظر نیز با توجه به عدم ارائه دلیل موجه در نقض آن و با پذیرش مبانی استدلال و استنباط دادگاه بدوی، محکوم‌علیه را به جهت مسن و متأهل بودن، مستحق تخفیف مجازات دانسته و با اختیار حاصل از تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ و با رعایت مواد ۱۹، ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)، با دو درجه تخفیف در مجازات و نیز با احتساب ایام بازداشت قبلی، حبس وی را به ۵ ماه تقلیل داده و مستنداً به ماده ۲۰۵ قانون مذکور، حکم بر معدوم نمودن سند مجعول صادر می‌نماید. با این وصف،

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم تبرئه وی را صادر می‌نماید. رأی صادره، حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در محاکم تجدید نظر تهران می‌باشد.

مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۰۲۳۶

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۴/۲/۲۸

مرجع رسیدگی: شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

خواسته: تجدیدنظرخواهی از دادنامه بدوی شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۸۵۵۰۱۱۴۲

متن رأی

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای الف. ق. (تجدیدنظرخواه ردیف اول) و خانم ش. ق. (تجدیدنظرخواه ردیف دوم) نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۸۵۵۰۱۱۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ صادره از شعبه ۱۰۰۵ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن، حکم بر محکومیت تجدیدنظرخواه ردیف اول به تحمل سه سال حبس تعزیری از اتهام استفاده از سند مجعول (یک فقره و کالت نامه رسمی شماره ۱۰۹۳۱۱ مورخ ۸۹/۱۱/۲۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۷۲ تهران) به استناد ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) صادر گردیده و نامبرده از اتهام انتقال مال غیر به شرح مندرج در متن دادنامه برائت حاصل نموده و نسبت به حکم محکومیت خویش معترض است و تجدیدنظرخواه ردیف دوم نیز نسبت به احکام برائت صادره و نیز نسبت به عدم رسیدگی دادگاه بدوی در خصوص جعل معترض است، نظر به محتویات پرونده و مفاد لوائح اعتراضیه واصله، از آنجا که تجدیدنظرخواه در شق محکومیت صادره در اتهام استفاده از سند مجعول و نیز حکم برائت صادره در اتهامات جعل و انتقال مال غیر، دلیل خاص و جهات موجهی که موجبات نقض دادنامه را فراهم آورد ارائه ننموده‌اند و از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی و مبانی استدلال نیز ایراد و اشکال مؤثری وارد نمی‌باشد، لذا عطف توجه به استدلالات مبسوط مندرج در دادنامه بدوی، عطف توجه به مسن و متأهل بودن محکوم‌علیه، دادگاه نامبرده را مستحق تخفیف در مجازات دانسته و با اختیار حاصله از تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون اصلاحی تشکیل دادگاه‌های

عمومی و انقلاب و با رعایت مواد ۱۹ و ۳۷ و ۳۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با دو درجه تخفیف در مجازات، آن را از سه سال به پنج ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی تقلیل داده و مستنداً به ماده ۲۱۵ قانون مرقوم، حکم بر معدوم نمودن سند مجعول نیز صادر می‌گردد و با وصف فوق، ضمن رد تجدیدنظرخواهی‌های واصله، مستنداً به بند الف ماده ۲۵۷ و ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادنامه تجدیدنظرخواسته را عیناً تأیید و استوار می‌نماید، ولیکن راجع به اعتراض دیگر تجدیدنظرخواه ردیف دوم به عدم صدور حکم محکومیت در اتهام معاونت تجدیدنظرخواه ردیف اول در جعل صورت گرفته، صرف نظر از ماهیت امر و اختیارات دادگاه بدوی در تغییر و اصلاح عناوین اتهامی مندرج در کیفرخواست، از آنجا که عنوان اتهامی فوق‌الذکر در کیفرخواست لحاظ نگردیده و مطابق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، دادگاه تجدیدنظر صرفاً نسبت به آنچه در مرحله نخستین مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گرفته و مورد اعتراض است، حق رسیدگی و اظهار نظر دارد، لذا اشعار می‌دارد: دادگاه تجدیدنظر در این خصوص مواجه با تکلیفی نیست.

۲. نقد و بررسی:

با بررسی و تدقیق در محتویات پرونده موارد زیر حائز اهمیت بسیار است:

الف) دادگاه بدوی ضمن رسیدگی و با توجه به محتویات پرونده و تحقیقات انجام‌شده، اتهام آقای الف. ق. در استفاده از سند مجعول به نحو مباشرت را محرز و مسلم دانسته، لیکن در خصوص اتهام دیگر وی (انتقال مال غیر) با این استدلال که ملک مزبور در رهن بانک قرار داده شده و ترهین ملک، عرفاً انتقال مال تلقی نمی‌گردد قائل به تبرئه وی گردیده است.

از سوی دیگر، نسبت به معاونت متهم در ارتکاب جعل که مورد ادعای شاکی قرار گرفته با توجه به عدم ذکر آن در متن کیفرخواست به‌درستی قائل به سکوت گردیده زیرا صرف نظر از ماهیت امر و صحت ادعای شاکی از آنجا که مقتضی رسیدگی فراهم نیست نفیاً یا اثباتاً اظهارنظری ننموده است.

لازم به ذکر است گاه دادگاه در اثناء رسیدگی با توجه به محتویات پرونده، موارد اعلامی در قرار جلب به دادرسی و نیز دفاعیات طرفین پرونده و نماینده

دادستان در جلسه رسیدگی، رفتار ارتكابی انجام‌شده را منطبق با عنوان اتهامی در کیفرخواست نمی‌داند بلکه عمل ارتكابی هم از حیث عنوان مجرمانه و هم از حیث عناصر تشکیل‌دهنده جرم با عنوان مجرمانه دیگری سازگار است و به‌موجب نص صریح بند (ج) ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸، تکلیف دادگاه جهت رسیدگی صرفاً محدود به جرایم مندرج در کیفرخواست می‌باشد. عبارت «فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست» مجمل و مبهم است و مشخص نیست مراد از «حصر به عمل آمده» چیست و دامنه آن تا کجاست و اساساً هدف مقنن از انحصار فوق چه بوده است؟

آیا مراد این است که دادگاه، منحصرأ حق رسیدگی به جرایمی دارد که با تشریفات مقرر در دادسرا رسیدگی شده و متعاقب آن، قاضی تحقیق اعم از دادیار یا بازپرس آن را در قرار مجرمیت منعکس نموده و در کیفرخواست نیز ذکر گردیده و عنصر قانونی آن هم بیان گردید و براساس آن، نماینده دادستان در جلسه رسیدگی تقاضای مجازات برای متهم می‌نماید یا خیر؟ آیا دادگاه در مقام رسیدگی حق تغییر عنوان مجرمانه را دارد و محصور به حدود کیفرخواست نیست؟ و سؤالاتی از این دست. ابهامات فوق موجب شد تا در عمل هم در دکتترین حقوقی و هم در رویه قضایی محاکم، نظرات متفاوتی و بلکه متهافتی ابراز شود. این نظرات را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی نمود که عبارتند از:

نظر اول: به‌موجب نص بند (ج) ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸)، دادگاه تنها تکلیف به رسیدگی به جرایم مندرج کیفرخواست را دارد و خارج از آن اختیاری ندارد. این برداشت را این عبارت «فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست» تأیید می‌کند، لذا دادگاه، تنها در چارچوب کیفرخواست می‌تواند حکم صادر کند و اگر عمل متهم منطبق با عنوان مجرمانه دیگری باشد، دادگاه نمی‌تواند عنوان مجرمانه مندرج در کیفرخواست را تغییر دهد.

سابقه تقنینی ماده هم این برداشت را تأیید می‌کند، زیرا ماده ۱ (اصلاحی ۱۳۳۷/۵/۱) از مواد الحاقیه به قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۱۲/۷/۱۲) با اصلاحات بعدی مقرر می‌دارد: «اقامه دعوی جزایی از طرف دادستان، دادگاه را در حدود صلاحیت خود مکلف به رسیدگی و صدور حکم به همان جرم‌هایی می‌کند که در کیفرخواست قید شده و خارج از آن حق رسیدگی ندارد».

از سوی دیگر با تغییر عنوان جرم، صلاحیت دادگاه نیز تغییر می‌کند. از این رو باید پرونده را با صدور عدم صلاحیت برای صدور کیفرخواست به مرجع قضایی حوزه مربوط ارسال نمود.

نظر دوم: دادگاه باید نسبت به جرم موضوع کیفرخواست، رسیدگی و اگر آن را متوجه متهم نمی‌داند، برائت وی را صادر نماید و پرونده را به جهت کشف جرم جدید و در اجرای ماده ۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸) که مقرر می‌دارد: چنانچه ضمن تحقیق، قاضی دادگاه جرم دیگری را کشف نماید که به جرم اول مربوط نیست در صورتی که شعبه دادگاه منحصر به فرد باشد به آن جرم نیز رسیدگی می‌نماید و چنانچه شعب دادگاه متعدد باشد اقدامات لازم را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم مکشوف و جلوگیری از فرار متهم به‌عمل آورده و مراتب را به رئیس حوزه قضایی اطلاع می‌دهد. و نیز ماده ۲۰۶ همین قانون که بیان داشته: چنانچه دادگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری را کشف نماید موضوع را به صورت کتبی به رئیس حوزه قضایی، اعلام و پس از ارجاع در حدود صلاحیت خود، رسیدگی خواهد نمود.

با بررسی نظرات موجود و تحلیل در رویه متداول در محاکم دادگستری به نظر می‌رسد اختیار دادگاه در رسیدگی تنها محدود به موارد مندرج در کیفرخواست بوده و چنانچه عمل متهم را منطبق با عنوان مجرمانه دیگری بدانند، نمی‌تواند عنوان مجرمانه مندرج در کیفرخواست را تغییر داده یا بر آن بیفزاید.

سابقه تقنینی موضوع، مؤید همین مطلب است به‌طوری که ماده ۱ اصلاحی ۱۳۳۷/۵/۱ از مواد الحاقیه به قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۱۲/۷/۱۲) مقرر می‌دارد که اقامه دعوی جزایی از طرف دادستان، دادگاه را در حدود صلاحیت خود مکلف به رسیدگی و صدور حکم به همان جرایمی می‌گرداند که در کیفرخواست قید شده و خارج از آن حق رسیدگی ندارد.

ب) با تجدیدنظرخواهی از دادنامه صادره فوق‌الذکر از آنجا که دلیل خاص و جهات موجهی از سوی محکوم‌علیه (تجدیدنظرخواه ردیف اول) و محکوم‌له (تجدیدنظرخواه ردیف دوم) که موجبات نقض دادنامه بدوی را فراهم آورد ارائه نگردیده

است لذا دادگاه تجدیدنظر به‌درستی ضمن رد اعتراض محکوم‌له نسبت به عدم صدور حکم محکومیت توسط دادگاه بدوی مبنی بر معاونت محکوم‌علیه در ارتکاب بزه جعل، دادنامه تجدیدنظرخواسته را عیناً تأیید و استوار نموده لیکن به جهت مسن و متأهل بودن محکوم‌علیه، مدت مجازات حبس وی را با دو درجه تخفیف از سه سال به پنج ماه تقلیل داده است که این امر نیز با توجه به استحقاق محکوم‌علیه در تخفیف مجازات و احراز جهات تخفیف در خصوص وی و تذکر و اشاره دادگاه تجدیدنظر در متن دادنامه، موافق با اصول و قواعد دادرسی و مقررات مربوطه صورت پذیرفته است.

یادداشت دوم - صلاحیت مرجع رسیدگی به بزه نگهداری و فروش مشروبات الکلی

۱. وقایع پرونده:

به‌موجب کیفرخواست شماره ۱۰۰۷۳۱۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۴ صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۱ تهران، آقای ب. ق. فرزند م. متهم است به ارتکاب بزه حمل و نگهداری مشروبات الکلی دست‌ساز و نیز نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی. شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران متهم را به جهت ارتکاب بزه حمل و نگهداری مشروبات الکلی دست‌ساز به تحمل چهار ماه حبس و سی ضربه شلاق تعزیری و پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌نماید، لیکن در خصوص اتهام دیگر وی یعنی نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه انقلاب ارسال می‌کند. شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب پس از احراز صلاحیت خویش، مبلغی معادل سه برابر قیمت عرفی کالای مکشوفه را به عنوان جزای نقدی تعیین می‌نماید ضمن تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه از دادنامه‌های صادره فوق‌الذکر، شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر با ادغام هر دو پرونده و تأیید دادنامه‌های صادره نسبت به تعیین مجازات متناسب به شرح چهار ماه حبس، ۸۵ ضربه شلاق و بیست و پنج میلیون ریال جزای نقدی به جهت ارتکاب بزه حمل و نگهداری مشروبات الکلی دست‌ساز و نیز سی ماه حبس و یک میلیارد و دویست میلیون ریال جزای نقدی به سبب نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی در حق دولت و تأکید بر اجرای مجازات اشد به صدور حکم می‌پردازد.

مشخصات رأی بدوی

شماره پرونده: ۹۳۰۹۹۸۲۱۲۳۶۰۰۹۵۱

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۲۱۲۴۲۰۰۰۰۹

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی ارشاد تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۴/۱/۱۷

اتهام: حمل، نگهداری و فروش مشروبات الکلی

متن رأی

در خصوص اتهام ب. ق. فرزند م. مبنی بر نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز با عنایت به جمیع محتویات پرونده و کیفرخواست صادره از سوی دادسرای ناحیه ۲۱ تهران و همچنین عنایت به اقرار صریح و مقرون به واقع نامبرده در جریان دادرسی و در جلسه دادگاه و کشف و ضبط مشروبات الکلی موصوف از نامبرده به شرح گزارش ضابطین قضایی بزهداریش در حد ارتکاب جرم مذکور (نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز) محرز و مسلم می‌باشد. فلذا به استناد ماده ۷۰۲ قانون تعزیرات (کتاب پنجم) و لحاظ مواد ۱۹ و ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۲ از باب تخفیف مجازات به سبب ابراز ندامت و پشیمانی و اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی با لحاظ یک درجه تخفیف حکم محکومیت وی به تحمل چهار ماه حبس تعزیری به انضمام تحمل سی ضربه شلاق تعزیری و همچنین پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت، صادر و اعلام می‌گردد. ایام بازداشت قبلی متهم وفق مفاد ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محاسبه و منظور گردد. ضمناً براساس ذیل ماده ۲۱۵ از قانون موصوف مشروبات مکشوفه نیز معدوم شوند. و اما در خصوص اتهام دیگر نامبرده و مبنی بر نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی (تهیه و توزیع کالای قاچاق) موضوع پرونده حاضر با عنایت به جمیع محتویات پرونده و مفاد کیفرخواست صادره از سوی دادسرای ناحیه ۲۱ تهران و صرف نظر از صحت و سقم این موضوع اتهامی آنان با توجه به مفاد مواد ۲۲ و ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و مفاد رأی وحدت رویه دیوان عالی محترم کشور به شماره ۷۳۶-۱۳۹۳/۴/۹ که رسیدگی به جرایم موصوف را در صلاحیت محاکم محترم انقلاب قرار داده است. بنابراین،

دادگاه صلاحیت رسیدگی به این اتهام متهم را نداشته و به استناد مواد فوق الذکر قرار عدم صلاحیت این شعبه به شایستگی محاکم محترم انقلاب تهران صادر و اعلام می‌نماید. ضمن اعلام مراتب با حفظ بدل مفید درخصوص محکومیت صادره اصل پرونده جهت رسیدگی درخصوص موضوع عدم صلاحیت به محاکم محترم صالح ارسال شود. رأی صادره درخصوص محکومیت متهم، حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

مشخصات رأی بدوی صادره از دادگاه انقلاب

شماره پرونده: ۹۳۰۹۹۸۲۱۲۳۶۰۰۹۵۱

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۰۲۶۲۵۰۰۰۴۳

مرجع رسیدگی: شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۴/۱/۲۵

اتهام: حمل و نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی

متن رأی

درخصوص اتهام آقای ب. ق. دایر بر حمل، نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی با عنایت به اوراق و محتویات پرونده مستنداً به بند الف ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نامبرده را به پرداخت مبلغ ۱۵۹.۶۰۰.۰۰۰ جزای نقدی محکوم می‌نماید. رأی صادره، حضوری و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض می‌باشد.

مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره پرونده: ۹۳۰۹۹۸۲۱۲۳۶۰۰۹۵۱

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۰۷۴۲

مرجع رسیدگی: شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۴/۸/۱۶

خواسته: تجدیدنظرخواهی از دادنامه‌های بدوی شماره ۹۴۰۹۹۷۲۱۲۴۲۰۰۰۰۹ و

۹۴۰۹۹۷۰۲۶۲۵۰۰۰۴۳

متن رأی

درخصوص درخواست آقای ب. ق. فرزند م. و دادیار محترم اجرای احکام کیفری ناحیه ۲۱ دادرسی تهران مبنی بر ادغام دو فقره پرونده که در آنها آقای ب. ق. به اتهامات متعدد محکوم شده است و ادغام پرونده و اعمال ماده ۱۳۴ و تعدد جرم به نفع متهم می‌باشد و شرایط ادغام با توجه به محتویات پرونده و قوانین جاریه مهیا است و جهت رسیدگی به موضوع ادغام و تعدد جرم به این شعبه ارجاع شده است دادنامه‌های صادره جهت ادغام شرح آتی الذکر می‌باشند (الف) دادنامه شماره ۰۰۰۹ مورخ ۹۴/۱/۱۶ صادره از شعبه ۱۰۸۸ دادگاه جزایی تهران که به موجب آن متهم آقای ب. ق. به اتهام نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز به تحمل چهار سال حبس و ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی معادل پنج برابر قیمت مشروبات مکشوفه و ۳۰ ضربه شلاق و انعدام مشروبات مکشوفه محکوم شده است و بعلاوه، طی دادنامه شماره ۴۳ مورخ ۹۴/۱/۲۵ صادره از شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران نامبرده به اتهام نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی به تحمل حبس و جزای نقدی به مبلغ ۱۳۱/۳۵۴/۱۱۰ ریال و معدوم شدن مشروبات الکلی و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده است، با توجه به محتویات پرونده و مواد ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضمن ادغام موضوع پرونده‌های مارالذکر و اعمال تعدد جرم آقای ب. ق. فرزند م. ۱- به اتهام نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز به تحمل چهار ماه حبس و ۸۵ ضربه شلاق و پرداخت بیست و پنج میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت و به اتهام نگهداری و فروش مشروبات الکلی خارجی مستنداً به تبصره و بند (ب) ماده ۲۲ از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۹۲ به تحمل سی ماه حبس و پرداخت مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و دویست میلیون ریال) جزای نقدی در حق دولت و انعدام آن محکوم می‌نماید. بدیهی است در هنگام اجرای حکم فقط یکی از مجازات‌ها که اشد می‌باشد اجراء شود و بازداشت ایام قبلی نیز محاسبه شود. رأی صادره، قطعی است.

۲. نقد و بررسی:

درخصوص آراء صادره از دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر موارد زیر حائز اهمیت

بسیار است:

۱. صدور حکم محکومیت و تعیین مجازات حبس و شلاق به جهت ارتکاب بزه حمل و نگهداری مشروبات الکلی دست‌ساز با لحاظ کشف و ضبط مشروبات و گزارش ضابطین دادگستری که هیچ شائبه‌ای در احراز جرم و انتساب آن به متهم برجای نمی‌گذارد، از سوی دادگاه بدوی و بر مبنای منطوق ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲ که در آن ساختن، خریدن، فروختن، در معرض فروش قرار دادن، حمل و نگهداری و در اختیار دیگران قرار دادن مستوجب حبس از شش ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق و جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده می‌باشد، امری درست به نظر می‌رسد.

۲. دادگاه بدوی با استناد به مفاد بند (ب) ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) که مبتنی بر پیش‌بینی مجازات جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوعه است متهم را به پرداخت جزای نقدی به میزان بیست میلیون ریال محکوم می‌نماید که هرچند به لحاظ شرعی، مشروبات الکلی فاقد مالیت و ارزش می‌باشد لیکن به جهت مالیت داشتن این کالا از لحاظ عرفی و بر مبنای ماده واحده مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام در ارزیابی بهای کالاهای مشمول بندهای (الف) و (ب) ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۷۴)، در مواردی که کالای قاچاق، فاقد مالیت و ارزش شرعی باشد مالیت و ارزش عرفی آن ملاک ارزیابی است و بر همین مبنا، جزای نقدی تعیین می‌گردد.

۳. نظر به اینکه در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳) مجلس شورای اسلامی، عبارت قاچاق کالا و ارز «مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی» به قرینه جمله بعد از آن با این عبارت «سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است» معطوف به قاچاق کالا و ارز و منصرف از قاچاق کالاهای ممنوع است. بنابراین، رسیدگی به بزه قاچاق کالاهای ممنوع همانند رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز سازمان‌یافته و حرفه‌ای و بزه قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی مطلقاً در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است.

۴. براین اساس، اقدام دادگاه بدوی در صدور قرار عدم صلاحیت در رسیدگی به بزه فروش مشروبات الکلی خارجی با عنایت به ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) و نیز ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ مبنی بر صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به بزه قاچاق کالاهای ممنوع و نیز با این استدلال که فروش مشروبات الکلی خارجی عرفاً به توزیع کالای قاچاق تعبیر می‌گردد، در ارسال پرونده به دادگاه انقلاب محمول بر صحت و منطبق با قواعد عمومی صلاحیت مراجع کیفری است.

۵. رأی وحدت‌رویه شماره ۷۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۴ نیز مؤید صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب در رسیدگی به بزه قاچاق کالاهای ممنوع - کالایی که ورود آن به کشور و صدور آن از کشور ممنوع می‌باشد - از جمله مشروبات الکلی است.

۶. شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب در راستای اجرای بند (الف) ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) به تعیین جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش مشروبات الکلی خارجی یعنی مبلغ ۱۵۹/۶۰۰/۰۰۰ ریال در حق دولت می‌پردازد.

۷. با لحاظ قواعد عمومی مربوط به تعدد مادی جرم در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و تأکید بر اجرای صرفاً یک مجازات (مجازات اشد) برای جرایم ارتكابی متعدد، اقدام دادگاه تجدیدنظر به جهت تأیید دادنامه‌های بدوی صادره از دادگاه‌های عمومی جزایی و انقلاب و تعیین مجازات متناسب برای محکوم‌علیه، منطبق با قواعد و اصول دادرسی منصفانه و عادلانه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه فوقاً بیان شد به نظر می‌رسد می‌توان نتیجه گرفت:

۱. رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.
۲. رسیدگی به بزه قاچاق کالاهای ممنوع از جمله قاچاق مشروبات الکلی خارجی در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.
۳. رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز به صورت سازمان‌یافته و حرفه‌ای در صلاحیت دادگاه انقلاب است.
۴. رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز مستوجب حبس و انفصال از خدمات دولتی، در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.
۵. رسیدگی به بزه حمل، نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز در صلاحیت دادگاه‌های عمومی جزایی است.

یادداشت سوم - صلاحیت مرجع رسیدگی به بزه نگهداری و فروش

تجهیزات دریافت از ماهواره

۱. وقایع پرونده:

به موجب کیفرخواست شماره ۱۶۲۷/۰۱۳۰۴۳۱۲۱۳۰۴۳۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ صادرشده از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۱ تهران، آقای الف.م. متهم است به نگهداری و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره. با ارسال پرونده از دادسرای فوق به شعبه ۱۰۹۰ دادگاه عمومی جزایی تهران، متهم به پرداخت جریمه معادل چهار برابر ارزش کالای کشف‌شده محکوم می‌گردد. با اعتراض محکوم علیه نسبت به این حکم، پرونده به دادگاه تجدیدنظر، ارسال و شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادگاه عمومی جزایی را صالح به رسیدگی ندانسته و به اعتبار سازمان تعزیرات حکومتی تهران، قرار صادر می‌نماید. با حدوث این اختلاف، پرونده جهت تعیین مرجع صالح رسیدگی به شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور، ارسال و این شعبه با تأکید بر صلاحیت محاکم عمومی جزایی در رسیدگی به بزه فوق‌الذکر، حل اختلاف می‌نماید.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه بدوی: ۹۳۰۹۹۷۲۱۲۴۶۰۰۶۴۴

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۳/۶/۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۹۰ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی ارشد تهران

اتهام: نگهداری و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره

متن رأی

در خصوص اتهام آقای الف.م. فرزند ن. ۴۳ ساله، اهل ساوه و مقیم تهران دایر بر نگهداری و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره با توجه به مجموع محتویات پرونده، گزارش ضابطین قضایی، نتایج تحقیقات انجام‌شده، اظهارات و اقرار متهم در مراحل تحقیق و دادرسی و جلسه دادگاه مورخه ۱۳۹۳/۶/۱۲، و لایحه وکیل مدافع وی و کشف تجهیزات مذکور، و نظریه گمرک، قرار مجرمیت و کیفرخواست صادره و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده، بزه انتسابی به نامبرده، محرز و مسلم و ثابت است. فلذا دادگاه به استناد ماده ۲۲

و ۵۳ و تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ مشارالیه علاوه بر ضبط تجهیزات مکشوفه به نفع دولت (سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی) به پرداخت مبلغ چهار برابر ارزش تجهیزات فوق‌الذکر به عنوان جزای نقدی محکوم می‌نماید. رأی صادره، حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در مرجع تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

مشخصات رأی تجدیدنظر

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۱۱۸۳

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۳/۹/۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

خواسته: تجدیدنظرخواهی از دادنامه بدوی شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۲۴۶۰۰۶۴۴

متن رأی

درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای الف. م. نسبت به دادنامه شماره ۶۴۴ مورخ ۹۳/۶/۱۵ صادره از شعبه ۱۰۹۰ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن تجدیدنظرخواه به اتهام نگهداری و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره به پرداخت مبلغ چهار برابر ارزش کالای کشف‌شده محکوم شده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده و نظر به استدلال دادیار شعبه سوم دادسرای ناحیه ۲۱ تهران مبنی بر اینکه کالای کشف‌شده قاچاق است و با عنایت به میزان ارزش کالای کشف‌شده مندرج در پرونده و با استفاده از مفهوم ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۹۲ که مجازات جرم ارتكابی با توجه به ارزش آن حبس و یا انفصال از خدمات دولتی نیست و مجازات آن مشمول بند ب ماده ۲۲ قانون مذکور می‌باشد، لذا نمی‌تواند در صلاحیت محاکم عمومی قرار گیرد. لهذا ضمن وارد دانستن اعتراض تجدیدنظرخواه و نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته مستنداً به بند ب ماده ۲۲ و نیز ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و بند ۳ شق ب ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت به اعتبار و صلاحیت محاکم تعزیرات حکومتی تهران صادر می‌نماید و پرونده جهت اتخاذ تصمیم در اجرای ماده ۲۸ قانون فوق‌الذکر به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد. رأی صادره، قطعی است.

مشخصات دادنامه دیوان عالی کشور

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۱۰۳۱۲۶

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

موضوع رسیدگی: حل اختلاف در صلاحیت

با توجه به محتویات پرونده و نظر به عدم فسخ بند الف از ماده‌ی ۹ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره توسط ماده‌ی ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیدگی به پرونده‌های با موضوع ذکرشده کماکان در صلاحیت محاکم عمومی جزایی است. فلذا اقرار عدم صلاحیت صادره به اعتبار و شایستگی تعزیرات حکومتی قابلیت تأیید نداشته و پرونده جهت ادامه‌ی رسیدگی به مرجع ارسال‌کننده اعاده می‌شود.

۲. نقد و بررسی:

با تحلیل آراء محاکم بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور نکات مهم زیر قابل ذکر است:

۱. ارسال پرونده از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۱ تهران به دادگاه عمومی جزایی با توجه به صلاحیت عام محاکم عمومی جزایی در رسیدگی به بزه نگهداری و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره و به استناد تبصره ماده ۳ و ماده ۸ و بند (ب) ماده ۹ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (مصوب ۱۳۷۳) مطابق با قواعد عمومی صلاحیت مراجع دادگستری صورت گرفته است.
۲. شعبه ۱۰۹۰ دادگاه عمومی جزایی نیز پس از احراز صلاحیت خویش با بررسی نتایج حاصل از تحقیقات انجام‌شده، گزارش ضابطین قضایی و اقرار صریح متهم، ارتکاب بزه از سوی وی را محرز و مسلم، تشخیص و به استناد بند (ب) ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲)، متهم را به پرداخت جریمه نقدی محکوم نموده که بر مبنای این قانون، معادل چهار برابر ارزش تجهیزات فوق‌الذکر به عنوان جریمه بزه حمل، نگهداری و فروش کالای ممنوع در نظر گرفته شده است.

۳. اصدار دستور مبنی بر ضبط و تحویل تجهیزات مکشوفه به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی توسط دادگاه بدوی بر مبنای نص صریح ماده ۵۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) بوده که این امر پس از تنظیم صورتجلسه، کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا انجام گرفته است. با صدور این دستور، سازمان فوق بدو اقدام به نگهداری تجهیزات و سپس با صدور رأی قطعی از سوی دادگاه، کالای مزبور را به فروش می‌رساند.

۴. تطبیق رفتار مجرمانه متهم با عنوان قاچاق کالا توسط دادگاه تجدیدنظر با استفاده از منطوق ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) بوده و بر این اساس، سازمان تعزیرات حکومتی را صالح به رسیدگی می‌داند. لازم به ذکر است طبق این ماده، رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز، سازمان‌یافته و قاچاق کالاهای ممنوع ضمن دربرداشتن مجازات حبس، در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده و در مورد سایر مصادیق قاچاق کالا و ارز، سازمان تعزیرات حکومتی، صالح به رسیدگی است.

۵. نکته قابل توجه آن است که هر چند تجهیزات دریافت از ماهواره طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳) از مصادیق کالای ممنوع - کالایی که صدور یا ورود آن به موجب قانون، ممنوع است - می‌باشد لیکن نگهداری آن فی حد ذاته اگرچه عملی مجرمانه و مستوجب مجازات است ولی با توجه به معنای خاص قاچاق به شرحی که در بند (الف) ماده ۱ قانون مورد اشاره آمده است - هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شده و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود - و تمییزی که قانونگذار میان عناوین مذکور در قانون یاد شده قائل شده است داخل در عنوان قاچاق نبوده و به همین جهت از حیث صلاحیت دادگاه، مشمول حکم مقرر در ماده ۴۴ آن قانون نمی‌باشد، لذا با توجه به صلاحیت عام مراجع قضایی دادگستری و صلاحیت‌های اختصاصی دادگاه‌های انقلاب به شرح موارد احصاء شده در قانون، نگهداری و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره ارتباطی با عنوان مجرمانه قاچاق کالا یعنی ورود و خروج غیرقانونی کالا از مرزهای کشور ندارد و متهم مذکور نیز صرفاً بی‌آنکه تجهیزات فوق را از مرز، داخل یا خارج کرده باشد اقدام به

حمل، نگهداری و فروش آن نموده است. از این رو رفتار مجرمانه وی مشمول عنوان قاچاق کالا نبوده و از حوزه صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی خارج است.

۶. با حدوث اختلاف در صلاحیت، پرونده به شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور ارسال گردید تا نسبت به تعیین مرجع صالح رسیدگی اقدام گردد. این شعبه به استناد رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۵/۵/۵-۷۵۱ که رسیدگی به بزه نگهداری، حمل، نصب و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره را به صراحت در صلاحیت محاکم عمومی جزایی دانسته است و با تأکید بر عدم فسخ بند (الف) ماده ۹ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (مصوب ۱۳۷۳) توسط ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) و با تفکیک بزه حمل، نگهداری و فروش تجهیزات از بزه ورود غیرقانونی مندرج در ماده ۸ همین قانون که دایر بر مجازات واردکنندگان این کالا به کشور است، نسبت به اعتبار و صلاحیت محاکم عمومی جزایی جهت رسیدگی به بزه فوق به اصدار رأی می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

- آنچه از یادداشت سوم منتج می‌گردد به‌اختصار در ذیل بیان می‌شود:
۱. تجهیزات دریافت از ماهواره جز کالاهای ممنوع می‌باشد که نگهداری آن قاچاق محسوب نمی‌گردد.
 ۲. رسیدگی به بزه حمل، نگهداری، تعمیر و فروش تجهیزات دریافت از ماهواره در صلاحیت محاکم عمومی جزایی است.
 ۳. رسیدگی به بزه قاچاق تجهیزات دریافت از ماهواره چنانچه به صورت سازمان‌یافته و گروهی انجام شده باشد در صلاحیت دادگاه انقلاب و در سایر مصادیق قاچاق این‌گونه تجهیزات، سازمان تعزیرات حکومتی، صالح به رسیدگی است.